

«امید عباسی» را یادتان هست؟ همان آتش نشان فداکاری که دختر بچه کوچک را از ساختمان شعله‌ور نجات داد و ماسکش را روی صورت او گذاشت تا نفس بکشد و خودش بی نفس شد. مرگ امید، جرقه‌ای شد برای شعله پر کردن حسسی کم‌رنگ شده؛ فداکاری، فداکاری اصلا چیست؟! اینکه آدم از آنچه برایش بارزش است بگذرد برای دیگری. امید این کار را کرد، چه چیزی بارزش تر از جان؟! جانم را می‌دهم تا تو بمانی. امید رفت تا روح فداکاری و امید زنده بماند. قهرمانان را نباید از یاد برد، باید نام‌شان را بارها و بارها نوشتند و به زبان آورد. هر کجا که بشود، «گروه تصویرگران هنر موگه» امید را ترسیم کردند تا به سرنوشت خیلی دیگر از قهرمان‌ها که یادبودشان با نم اشکی و سوز آهی، بعد از مراسم چهلم شان تمام می‌شود، دچار نشود. حیف است قهرمان‌ها را فراموش کرد. امید عباسی گرچه نخستین قهرمان سرزمین نبود اما اولین قهرمان موگه شد تا راه را برای نقش بسنستن دیگر قهرمان‌ها در ذهن و دل کودکان باز کند. اولین نمایشگاه امید در مرداد ماه سال ۹۳ همزمان با روز خبرنگار گشایش یافت و آثار ۲۰۰ تصویرگر کودک و نوجوان ایرانی و ۱۰ تصویرگر خارجی در آن به نمایش درآمد تا قهرمان در ذهن‌ها حک شود.

امید عباسی، دیگر تنها یک نام نبود بلکه آغازگر حرکتی تازه بود برای آنها که به امید نیاز داشتند. حالا دومین سالی است که نمایشگاه امید قرار است برپا شود؛ هدف امید دادن به کودکان بیمار. این بار قهرمان‌ها خود کودکانند؛ کودکانی که بیماری‌شان را رنجور کرده اما روح‌شان دور ماندن از دنیای کودکی را تاب نمی‌آورد. قرار نیست کسی برای‌شان دل بسوزاند و قیافه متأثر به خودش بگیرد. قرار است کنار قهرمان‌های کوچک که بیماری بزرگ را تاب می‌آورند، باشم و شادی را برایشان ترسیم کنیم؛ با بهراهی.

مریم طالبی

«تو قهرمان من هستی» این تنها یک شعار نیست، یک باور است که اگر همگانی شود شاید تحمل درد را آسان تر کند، برای چه کسی؟! کودکان بیمار، بیماری درد دارد و هزینه. دردش هم فقط جسمی نیست، چه کسی است که نداند وقتی درد در تن و جان آدم می‌نشیند، فکرش کجاها که نمی‌رود و روحش تا چه عمقی زخم برنی دارد. درد بیماری، آدم بزرگ را از پای

نیستند، معنی پول و بودن و نبودن اش را نمی‌فهمند. چیزی که احتیاج دارند، توجه است.» حیبی گفته هایش را این گونه ادامه می‌دهد: «کودکی که روی تخت بیمارستان است، بیشتر از اینکه به پول نیاز داشته باشد، نیاز به این دارد که مورد توجه و حمایت قرار گیرد. او نیازهای متفاوتی دارد. مثلا دلش می‌خواهد اسباب بازی داشته باشد یا پیش دوستانش برود و با آنها بازی کند. حالا سوال این بود که چگونه می‌تواند به چنین کودکی امید و روحیه داد؟! ما با همین سوال شروع به کار کردیم و نمایشگاه دوم را با موضوع «امید برای کودکان بیمار» کلید زدیم.»

اسم امید، آدم را یاد امید عباسی می‌اندازد و آن دختر بچه که حالا اگر هست به خاطر امید است، «چهجا اصلا شکل امیدوار شدن شان با بزرگ‌ترها فرق می‌کند. ما بزرگ‌ها ممکن است با پول به زندگی امیدوار شویم چون فکر می‌کنیم پول کمک مان می‌کند. اما بچه‌ها این‌طور

همگام با کارزار «امید برای کودکان بیمار» تو قهرمان من هستی



همگام با کارزار «امید برای کودکان بیمار»

در می‌آورد چه برسد به بچه کوچک. باید نزدیک به درد بود تا آن را حس کرد. اعضای کارزار «امید برای کودکان بیمار» به درد نزدیک شده‌اند. درد کودکان بیمار را حس کرده‌اند و حالا در این کارزار، برای امید بخشیدن به آنها تلاش می‌کنند. قهرمان‌ها بشان کودکان بیماراند و هدف شان خلق امید، امید... امید...

که قطعاً حساس ترند و روح لطیف شان، ناملایمت جسم بیمار را به سختی تاب می‌آورد. مدیر نمایشگاه بین‌المللی امید از ایده‌ها می‌گوید: ایده‌های برگزاری دومین نمایشگاه امید از قهرمانی که قرار بود برای کودکان بیمار خلق شود.» اساس کار ما از ابتدا این بود که هیچ درآمدی از این کار نداشته باشیم و آن را تنها با هدف اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی انجام دهیم. در این رابطه هم ایده‌های مختلفی مطرح شد. در واقع ما از فروردین ۹۴ شروع به ایده پردازی کردیم و آخر خرداد ماه به جمع بندی نهایی رسیدیم و کار اجرایی هم از ابتدای تابستان امسال شروع شد. قرار بود کارگزاری به عنوان قهرمان برای کودکان بیمار پیدا کنیم که مثل امید عباسی، در ذهن‌ها حک شود و برای یافتن این کاراکتر قهرمان به فکر افتادیم که یک کودک بیمار را به عنوان قهرمان انتخاب کنیم اما

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با ممداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

جدول عادی

1- محصول آب و صابون - همه اقدام‌های فعال و کامل برای کاستن از رنج و درد و بهبود کیفیت زندگی در بیمار

2- سرم‌شقی - نیکو روی - تفاوت داشتن

3- رامشگر در بار خسروپویز - سرچشمه - چوننگی انجام گرفتن یک کار

4- اشاره به نزدیک - قورباغه - شکسته - در کفش بعضی هاست

5- سماقی - نام سازی - پارچه پر سوراج!

6- غارت کردن دارایی مسافران در جریان سفر با زور و تهدید - جذام - نام آذری

7- پیشوای هند - نام اختصاری نیروی پلیس مخفی آلمان نازی - پاسپان

8- شاعر قصیده سرای عهد قاجاریه - اسباب منزل - پرنده‌ای محبوب

9- انگور - ربابت ورزشی - رهیبه از آفات

10- فریاد نزدیک - مابین بیج و مهره - نوعی اسکی

11- تکنولوژی جدید - بسیار سخت - بندیا

12- اجاره - اشاره به کسی که نخواهد آستش را ببرند - محل ورود - پر حرارت

13- برادران مخترع هواپیما - روح و جان - ریحانه قرآن

14- تک‌تک - ویران - راهنما

15- غمی‌را تسلی دادن - مساوی

جدول ویژه

1- زنجیری که به‌دست و گردن محرم ببندند - مدافع کاستاریکایی پرسپولیس

2- انتقال دهنده - مطالعه اجمالی کتاب - هسن

3- ضرب شمشیر - ترش مزه - گریزان

4- ماه هفتم سال - برادر - دارنده - سوا

5- بعد از من - کلیدی - یک نوع پنجره

6- چاشنی فالوده - یکی از ایالات هند - نمایش تلویزیونی

7- عقرب - تیم فوتبال اصفهانی - برنامه داللود

8- دلواپس - ضد خوبی - جانوری با زهری کشنده

9- واژه درد - نان شبیه به فنی - بازیچه کودکان

10- شهری در غرب فرانسه - جست‌وجو - بندر یونان

11- نگاه کردن - بیست و پنجمین شهر بر جمعیت جهان - آش

12- چند جمله - بزرگ‌ترین پزشک ایران و جهان اسلام در زمان قرون وسطی - بز تر - مجموعه‌ای از واحدها به نام عدد اووکارو

13- سنگین، متین - توزیع کننده - دایم

14- شاعر از آنان چشم یاری داشته - جنبش - تفریق عددی از عدد دیگر

15- فیلمی از کاوه ابراهیم‌پور (۱۳۹۴) با حضور فاطمه معتمد آریا - پایتخت فراری

عمودی:

- در جنگ می‌گیند - استعفا
- نام یک سرده از راسته سوسن - سائان - شوخی
- در آسمان است - جای درم و دینار از چرم یا پارچه - جرأت و جسارت
- درس خوانده - فیلم اکبر صادقی - داغ کردن - حلقوم
- فراموشکار - ملخی جامد و متیلور - گرداگرد لب
- دریا - پنجم عرب - از قدیمی ترین کشورهای دنیا
- اجاره - غذایی روسی - جانور مکنده
- سرتان خون - بشر - پیراهن جلویسته
- قسمت ملودیک اپرا - استخوان مججمه - شهری در استان همدان
- موجب آرامش خاطر - جزیره ایرانی - گاه نماز را باطل کند
- بزرگ - ساحل - شیدا
- کنیزک - کشنده بی صدا - درخشان - یاری دهنده
- بافندگی - قاضی مسابقات - سلاح کاشتنی
- مقیاس طول معادل برای چشم - پس غذا
- آزادگان
- غذای ایرانی - القای امری از جانب خداوند در دل انسان‌ها

جدول عادی شماره ۶۰۷۹

1- شیکه تلویزیونی - بنایی دیدنی در رشت

2- شاعر پارسی‌گوی ایرانی قرن ششم هجری - سوار

3- پسوند آلودگی - روش‌های نیکو - نادر

4- موشواره - پوشیده و مخفی - تکیه کلام خاتم شگفت‌زده - ماه گرم

5- منگوله - برد معروف - ویتامین کوچه‌فرنگی

6- ضمیر غایب - پرنده درنا - مو خشک کن برقی

7- نوع - زیاد و فراوان - نمو

8- ضد ملیح - قدرت - فارسی آیفون

9- میوه‌ای شبیه شاه نوت - معبد درویشان - اندامی لوله مانند در دستگاه تنفسی

10- مهارت فوتبالی - کشور اروپایی - واژه تمجید

11- یک مجموعه کامل - صندلی کودک - کپولت

12- میانه بدن - رامشگران - مقابل دشوار - بی‌بیمی

13- نصرت و مسدود - رنگی برای چشم - پس غذا

14- بچه کوچولو - ورزشی زمستانی

15- آخرین پادشاه ساسانی - ریشه خوراکی

جدول ویژه شماره ۶۰۷۹

1- مجسمه - کوساله و کوسفند، کم حجم نمی شود

2- نماد صفت - فاجعه - مرگ و خسارت

3- نماد صفت - فاجعه - مرگ و خسارت

4- نماد صفت - فاجعه - مرگ و خسارت

5- نماد صفت - فاجعه - مرگ و خسارت

6- نماد صفت - فاجعه - مرگ و خسارت

7- نماد صفت - فاجعه - مرگ و خسارت

8- نماد صفت - فاجعه - مرگ و خسارت

9- نماد صفت - فاجعه - مرگ و خسارت

10- نماد صفت - فاجعه - مرگ و خسارت

11- نماد صفت - فاجعه - مرگ و خسارت

12- نماد صفت - فاجعه - مرگ و خسارت

13- نماد صفت - فاجعه - مرگ و خسارت

14- نماد صفت - فاجعه - مرگ و خسارت

15- نماد صفت - فاجعه - مرگ و خسارت

پای بوقلمون به سفره ایرانی باز شد



تا چند سال قبل راهی به سفره‌های ایرانی نداشت مگر در ظرف حلیم صحنه که جمعه‌ها از کبابی محل ابتیاع می‌شد یا در فسنجان خانواده‌های از ما به‌تران که مرغ شان غاز بود و سفره شان رنگین. بوقلمون با آن هیبت پر ابهت اش، متاعی نبود که در هر دکانی یافت شود. حالا اما زمانه فرق کرده. زامبون بوقلمون، استیک بوقلمون، سینه فراوری شده بوقلمون و خود بوقلمون، البته تکه تکه و سلفون کشیده شده، در هر فروشگاه زنجیره‌ای و پروتئینی یافت می‌شود. پرورش این ماکیان خوش خوراک، حالا جزئی از چرخه صنعت دام و طیور کشور است. آذربایجان شرقی از جمله استان‌های است که در این زمینه حرف‌های زیادی برای گفتن دارد.

به گفته رئیس مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی آذربایجان شرقی، در کشور ما پرورش بوقلمون صنعتی در چند دهه گذشته رشد قابل توجهی داشته به گونه‌ای که در سال‌های اخیر مصرف گوشت بوقلمون در کشور به بیش از ۵ برابر افزایش یافته است.

حسین لطفعلی زاده می‌گوید: «استان‌های تهران، آذربایجان شرقی، اصفهان، گلستان و قزوین جزو پیش‌سازان مصرف بوقلمون هستند، طوری که گوشت آن به صورت‌های مختلف قطع‌بندی شده یا لاشه در این استان‌ها به صورت گسترده عرضه می‌شود.»

افزایش مصرف بوقلمون در کشور، مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی آذربایجان شرقی را بر آن داشته تا تحقیقات گسترده‌ای در این زمینه انجام دهد.

لطفعلی زاده در این باره می‌گوید: «بوقلمون‌های تحت مطالعه در پرورش شامل چهار رنگ سیاه، سفید، السوان و طلایی است که از استان‌های اردبیل، زنجان، آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی جمع آوری شده و مورد مطالعه و بررسی و رکورد برداری افرادی از طول کامل سالیان متممادی قرار گرفته است. از رسالت‌های اصلی مرکز تحقیقات کشاورزی استان و بخش تحقیقات علوم دامی مرکز که ایستگاه تحقیقات بوقلمون را پشتیبانی می‌کند، طراحی و اجرای پروژه‌های تحقیقاتی است. با توجه به پتانسیل‌های مساعد منطقه و زبان علمی همکاران مرکز تاکنون فعالیت‌های زیادی در ایستگاه تحقیقات بوقلمون انجام شده که سبب شده در کنار کارهای تحقیقاتی، پرورش دهندگان بی‌شماری سالانه برای خرید جوجه بوقلمون یک‌ماهه از ایستگاه تحقیقات بوقلمون علاقه نشان دهند به طوری که تا اوایل سال ۱۳۹۳ بیش از ۲۰۰ هزار قطعه جوجه بوقلمون یک‌ماهه به روستاهای منطقه و سایر استان‌ها توزیع شده است.»

او ادامه می‌دهد: «بررسی بهترین زمان و تعداد دفعات تلقیح مصنوعی در بوقلمون‌های بومی،